

A Critique on the Book ***Key Concepts in Eastern Philosophy***

Hasan Ahmadizade*

Abstract

Today many of orientalist think that philosophy in the eastern cultures has authenticity and the eastern concepts in philosophy and humanities are rooted in this culture. This attitude led them to investigate critically the eastern concepts in philosophy. They also tried to compare them to western philosophical concepts. Oliver Leaman is of the most famous western thinkers that has published different books on eastern philosophy, especially Islamic philosophy. In this article, we will try to investigate critically on one of his books titled *Key Concepts in Eastern Philosophy*. Leaman in this book gathered different concepts in the eastern philosophies like Buddhism, Hinduism, Confucius, and Islamic philosophy, and explains these concepts according to the eastern texts. One of the most important privileges of this book is that Leaman tries to explain eastern philosophical concepts in their cultural context, but he did not explain some key concepts in the eastern philosophies nor did he explain them shortly.

Keywords: Eastern Philosophy, Methodology, Islamic Philosophy, Hinduism, Buddhism.

* Assistance Professor of Comparative Philosophy, University of Kashan, Kashan, Iran,
ahmadizade@kashanu.ac.ir

Date received: 24/09/2021, Date of acceptance: 29/12/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقد و بررسی کتاب *Key Concepts in Eastern Philosophy* (مفاهیم کلیدی در فلسفه شرقی)

حسن احمدی زاده*

چکیده

امروزه بسیاری از مستشرقان برای فلسفه در فرهنگ‌های شرقی اصالت قائل‌اند و بسیاری از مفاهیم کلیدی در این فرهنگ‌ها را برخاسته از متن تمدن‌های شرقی می‌دانند. این باور باعث شده است تا مستشرقان به بررسی مفاهیم مطرح در فلسفه‌های شرقی همت گمارند و برخی از آن‌ها را با مفاهیم مطرح در فلسفه‌های غربی تطبیق دهند. الیور لیمن از جمله اندیشمندان غربی است که در دو دهه اخیر آثاری ارزشمند درباره فلسفه‌های شرقی به‌ویژه فلسفه اسلامی نگاشته است. در جستار حاضر برآنیم تا یکی از مهم‌ترین این آثار را با عنوان *مفاهیم کلیدی در فلسفه‌های شرقی* بررسی و نقد کنیم. لیمن در این اثر با گردآوری مفاهیم کلیدی در فلسفه‌های شرقی چون هندوئیسم، بودیسم، آیین کنفوسیوس، و فلسفه اسلامی توضیحاتی مختصر برای هر اصطلاح بیان کرده است. از مهم‌ترین محاسن اثر لیمن آن است که سعی کرده است این مفاهیم را در ساختار تمدنی فلسفه‌های شرقی تبیین کند. اما او برخی مفاهیم کلیدی در این فلسفه‌ها به‌ویژه فلسفه اسلامی را مطرح نکرده یا توضیح چندان روشنی درباره آن‌ها نداده است. هم‌چنین، توضیحات برخی مدخل‌ها در این اثر کافی نیست و حتی لیمن از بیان برخی اصطلاحات کلیدی در فلسفه‌های شرقی غفلت ورزیده است.

کلیدواژه‌ها: فلسفه شرقی، روش‌شناسی، فلسفه اسلامی، هندوئیسم، بودیسم.

* استادیار فلسفه تطبیقی، عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران، ahmadizade@kashanu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۸



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

۱.۱ فلسفه شرقی از نگاه مستشرقان

اصطلاح فلسفه شرقی (eastern philosophy) به مجموعه‌ای از اندیشه‌های هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه‌ای اشاره دارد که در تمدن‌های شرقی، از هند و چین و ژاپن گرفته تا جهان اسلام، نضج یافته است. تقسیم‌بندی این مجموعه از اندیشه‌ها و تمایز آن‌ها از فلسفه‌های غربی صرفاً براساس حد و مرزهای جغرافیایی صورت نگرفته است، بلکه تفاوت‌های مفهومی و هرمنوتیکی نیز در این تقسیم‌بندی و تمایز مؤثر بوده‌اند. برخی اندیشمندان بزرگ غرب، چون مارتین هایدگر، بر این باور بوده‌اند که تنها زبان‌های آلمانی و یونانی برای فلسفه‌ورزیدن مناسب‌اند (Sheehan 2010: 193). از این رو، برای تفکر فلسفی در تمدن‌های شرقی به‌ویژه در عالم اسلام، که ارتباط زیادی با تمدن و فلسفه یونانی داشته است، اصالتی قائل نیستند. این نگرش به تمدن‌های شرقی باعث شده است که در دانشگاه‌های غربی یا اساساً فلسفه‌های شرقی تدریس نشود، یا صرفاً به آن دسته از تفکرات شرقی توجه شود که متأثر از فلسفه‌های غربی بوده‌اند.

با رجوع به پژوهش‌های محققان غربی افراد مختلفی را می‌بینیم که درباره فلسفه‌های شرقی به‌ویژه فلسفه و تمدن اسلامی قلم زده‌اند. برای نمونه، کورتز از محققانی است که پژوهش‌هایی درباره فلسفه چینی به‌انجام رسانده، اما آن را فاقد اصالت فلسفی تلقی کرده است (Kurtz 2011: 29)، درحالی‌که رین راود برخلاف نظر وی استدلال می‌کند که با رویکردی انعطاف‌پذیرتر می‌توان تعریفی از فلسفه داد که براساس تمدن‌های شرقی را نیز واجد اصالت تفکر فلسفی دانست (Raud 2006: 618). هم‌چنین، برخی از این اندیشمندان در مواجهه با سنت‌های فلسفی در شرق با نگاهی منصفانه و دور از پیش‌فرض‌های فرهنگی و سیاسی خاص تلاش کرده‌اند تفکر و فلسفه شرقی را در سیاق فرهنگی و تاریخی خود فهم و تحلیل کنند (Holder 2006: 38). رویکرد مستشرقین به تفکر و فلسفه شرقی را از جهات مختلفی می‌توان بررسی کرد. این امر به‌ویژه برای پژوهش‌های تطبیقی در فلسفه و الهیات نیز اهمیت دارد، چراکه نوع نگاه و روشی که پژوهش‌گر در مواجهه با سنت‌های فلسفی مختلف اتخاذ می‌کند بدون تردید می‌تواند نتایج متفاوت در پی داشته باشد (Burik 2009: 45). از جمله محققان غربی که با رویکردی مثبت و خوش‌بینانه پژوهش‌هایی ارزشمند درباره فلسفه‌های شرقی انجام داده الیور لیمن است.

در این جستار برآنیم تا به بررسی و نقد یکی از آثار برجسته وی بپردازیم که در سال ۱۹۹۹ توسط انتشارات راتلیج منتشر شد. این اثر ارزش مند با عنوان *مفاهیم کلیدی در فلسفه شرقی* (*Key Concepts in Eastern Philosophy*)^۱ در ۲۲۵ صفحه منتشر شده و حاوی مهم ترین اصطلاحات رایج در فلسفه های چینی، ژاپنی، کره ای، اسلامی، و دیگر سنت های برجسته فلسفی در شرق است.^۲ الیور لیمن این اثر را با این پیش فرض نگاه داشته است که بدون تردید در شرق سنت هایی بوده و هست که به معنای واقعی کلمه مبانی، روش، و مسائل فلسفی خاصی دارند. از جمله این سنت ها، به زعم وی، سنت فلسفی اسلامی و زردشتی است که بخش زیادی از آن در ایران نضج گرفته و بعدها به دیگر سنت های شرقی نیز راه یافته است (Leaman 1999: IX).

در ادامه این جستار تلاش خواهیم کرد تا هم به برخی محاسن ساختاری و محتوایی این کتاب اشاره کنیم و هم به برخی کاستی های صوری و محتوایی آن. البته بررسی و نقد محتوایی اثر گروهی از پژوهش گران را می طلبد که در هر یک از فلسفه های شرقی ای که در این کتاب از آن ها یاد شده است تخصص کافی داشته باشند تا بتوان نگاه دقیق تری به کتاب و محتوای آن داشت. از این رو در این جستار بیش تر به مباحث و مفاهیم کلیدی ای توجه خواهیم کرد که الیور لیمن آن ها را به فلسفه اسلامی نسبت داده و توضیح مختصری درباره آن ها داده است.

۲.۱ برخی پژوهش های مشابه در غرب

علاوه بر مفاهیم کلیدی در فلسفه شرقی، پژوهش های دیگری نیز توسط محققان غربی در خصوص فلسفه ها و مکاتب فکری تمدن های شرقی صورت گرفته که برخی از مهم ترین آن ها، به زعم نگارنده، از این قرار است:

- رویکردهای غربی به فلسفه شرقی:

- Organ, Troy Wilson (1975), *Western Approaches to Eastern Philosophy*, Athens: Ohio University Press.

- فلسفه شرقی: راهنمایی غربی برای تفکر شرقی:

- Hascett, Stuart Cornelus (1979), *Oriental Philosophy: A Westerner's Guide to Eastern Thought*, Madison: University of Wisconsin Press.

- دایرةالمعارف فلسفه و دین شرقی:

- Kohn, Michael H and Stephan Schuhmacher (1994), *The Encyclopedia of Eastern Philosophy and Religion: Buddhism, Hinduism, Taoism, Zen*, Boston: Mass. Shambhala.

- فلسفه شرقی:

- Thompson, Mel (1999), *Eastern Philosophy*, Teach Yourself.

- واژه‌نامه مختصر ادیان جهان:

- Bowker, John (2000), *The Concise Oxford Dictionary of World Religions*, Oxford University Press.

- فلسفه شرقی: مسائل اساسی:

- Harrison, Victoria S. (2013), *Eastern Philosophy: The Basics*, Routledge.

علاوه بر این آثار، پژوهش‌های دیگری نیز با عناوینی مشابه به فلسفه‌ها و تمدن‌های بزرگ شرقی و تحلیل اصطلاحات و معرفی متفکران آن‌ها اختصاص یافته است. اما نکته‌ای که باید بدان توجه کرد این است که در اکثر این پژوهش‌ها به فلسفه و اندیشمندانی که در تمدن اسلامی ظهور و بروز یافته‌اند توجه چندانی نشده است، چنان‌که برای نمونه هاریسون در کتابش صرفاً فلسفه‌های هند و چین را معرفی می‌کند و نامی از فلسفه اسلامی نمی‌برد. این درحالی است که الیور لیمن در مفاهیم کلیدی در فلسفه شرقی برای فلسفه اسلامی و تفکر ایران باستان جایگاه خاصی در فلسفه‌های شرقی قائل است و آن را دارای تاریخ و مباحث خاص خود می‌داند، هرچند فلسفه اسلامی را وام‌دار فلسفه یونان نیز می‌داند. از این رو لیمن اثری جامع‌تر و منصفانه‌تر از دیگر آثار در این زمینه منتشر کرده است.

۲. معرفی اجمالی الیور لیمن

الیور لیمن (متولد ۱۹۵۰) استاد مطالعات فلسفی در دانشگاه کنتاکی آمریکاست و پژوهش‌های متعددی در خصوص فلسفه‌های شرقی به‌ویژه فلسفه اسلامی و یهودی انجام داده است. وی دکترای خود را در سال ۱۹۷۹ از دانشگاه کمبریج دریافت کرد و از سال ۲۰۰۰ در دانشگاه کنتاکی مشغول تدریس و پژوهش در حوزه‌های مختلف فلسفه و دین است. پژوهش‌های الیور لیمن در خصوص فلسفه اسلامی و یهودی به زبان‌های مختلف ترجمه و منتشر شده است که از این میان، شناخته‌شده‌ترین آن‌ها برای پژوهش‌گران فلسفه

در ایران کتاب *تاریخ فلسفه اسلامی* است که در دو جلد و با همکاری سیدحسین نصر توسط انتشارات راتلج در سال ۱۹۹۹ به چاپ رسیده است.^۳ در این کتاب لیمن بر این باور است که فلسفه اسلامی، با وجود تأثیراتی که از فلسفه یونان پذیرفته است، هم مسائل جدید در متافیزیک مطرح کرده و هم تقریرهای جدیدی از برخی مسائل فلسفی یونان ارائه داده است (Leaman and Nasr 1996: 8). از دیگر آثار ارزش مند الیور لیمن که غالباً توسط انتشارات راتلج منتشر شده است می توان به موارد زیر اشاره کرد:

زیبایی شناسی اسلامی (۲۰۰۴)، شر و رنج در فلسفه یهودی (۲۰۰۳)، اندیشه یهودی (۲۰۰۶)، درآمدی بر فلسفه اسلامی در قرون وسطی (۱۹۸۵)، تاریخ فلسفه یهودی (۱۹۹۶)، آینده فلسفه: به سوی قرن بیست و یکم (۱۹۹۸)، درآمدی مختصر به فلسفه اسلامی (۱۹۹۹)، دایرةالمعارف فلسفه آسیایی (۲۰۰۱)، دایرةالمعارف قرآن (۲۰۰۶).

۳. ارزیابی صوری و ساختاری اثر

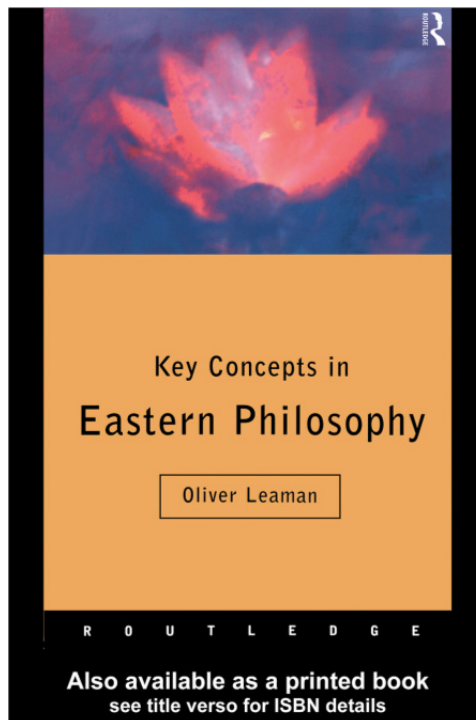
کتاب *مفاهیم کلیدی در فلسفه شرقی* نخستین بار در سال ۱۹۹۹ و سپس مجدداً در سال ۲۰۰۵ توسط انتشارات راتلج منتشر شد که با بیش از یک قرن سابقه چاپ و نشر کتاب در حوزه علوم انسانی، دین، و الهیات از ناشران نام دار در انگلستان است. از این انتشارات معتبر آثار مختلفی به صورت دایرةالمعارف نیز به چاپ رسیده که از آنها می توان به *دایرةالمعارف فلسفه* (۱۹۹۸) در ده جلد و *دایرةالمعارف اخلاق* (۲۰۰۲) در سه جلد یاد کرد. انتشارات راتلج آثار مختلفی از الیور لیمن نیز منتشر کرده است که در بخش قبلی به عناوین برخی از آنها اشاره شد. از جمله این آثار *مفاهیم کلیدی در فلسفه شرقی* است. این کتاب به نورمن کالدِر (Norman Calder) تقدیم شده است. او نیز مانند لیمن از پژوهشگران مشهور غربی است که آثار مختلفی در مورد اسلام شناسی به ویژه فقه و حقوق اسلامی منتشر کرده است.

کتاب با مقدمه ای آغاز می شود حاوی توضیحاتی کلی درباره فلسفه های شرقی و برخی اندیشمندان حاضر در متن. پس از آن، لیمن در یادداشت کوتاهی، در توضیح اصطلاحاتی که در این کتاب بیان کرده، متذکر می شود که آن اصطلاحات را به گونه ای بازگو کرده است که برای خواننده انگلیسی زبان قابل تلفظ باشد و از این رو ممکن است با تلفظ دقیق آنها در فرهنگ های آسیایی چندان هماهنگ نباشد. هم چنین، برخی اصطلاحات به صورت

پررنگ (bold) نشان داده شده‌اند و برخی دیگر نه، با وجود این که اصطلاحات خاص فلسفه‌های شرقی‌اند. دلیل این امر وضوح و رواج این دسته دوم از اصطلاحات شرقی در متون غربی است.

در بخش بعدی لیمن فهرستی از نام‌دارترین اندیشمندان و فیلسوفان شرقی را ذکر می‌کند و بعد فهرست اصطلاحات و مفاهیمی را بیان می‌کند که قرار است در کتاب توضیح مختصری درباره‌شان بدهد. البته در پایان کتاب نیز، پس از فهرست منابع، اسامی اندیشمندان و اصطلاحاتی که از آن‌ها سخن گفته شده آمده است.

در مورد طرح جلد کتاب، چنان‌که تصویرش را در پایین ملاحظه می‌کنید، بهتر بود از تصویری مرتبط با فلسفه و تمدن شرقی استفاده می‌شد، نه تصویر ساده‌ای که به نظر نمی‌رسد در ذهن خواننده و بیننده تصویری از فلسفه‌های شرقی تداعی کند. در برخی آثار مشابه، که پیش‌از این بدان‌ها اشاره شد، این کاستی در طرح جلد مشاهده نمی‌شود. در واقع بهتر بود طرح جلد این کتاب ترکیبی از تصاویر مربوط به آیین‌ها یا افسانه‌ها و یا نام‌دارترین فیلسوفان شرقی می‌بود.



از دیگر موارد مهمی که نویسنده و ناشر در آثاری از این دست باید بدان توجه کنند حروف چینی و ویراستاری است، چراکه برخی اصطلاحات فلسفه‌ها و ادیان شرقی را نمی‌توان به انگلیسی ترجمه کرد و باید با همان خوانش بومی‌شان نوشته شوند. هرچند در ویرایش و صفحه‌آرایی این اثر نهایت دقت صورت گرفته است، در مواردی غلط‌های چاپی هم ملاحظه می‌شود، مانند واژه *falasifa* در صفحه ۱۲۹ که به صورت *jalasifa* نوشته شده است. هم‌چنین در چند مورد واژه *that* به صورت *fhat* تایپ شده است.

۴. ارزیابی محتوایی اثر

۱.۴ اثری دایرةالمعارف گونه

کتاب *مفاهیم کلیدی در فلسفه شرقی* اثری است دایرةالمعارف گونه و طبیعی است که برای نوشتن آثاری از این دست نویسندگان یا نویسندگان ساختار خاصی را دنبال می‌کنند که متفاوت است با ساختار آثاری که درباره موضوع یا اندیشمند خاصی منتشر می‌شوند. اساساً دانش‌نامه یا دایرةالمعارف مجموعه نوشتاری جامع و فشرده‌ای است شامل اطلاعاتی درباره تمام شاخه‌های دانش یا شاخه مشخصی از دانش (Ann 2006: 130). الیور لیمن در *مفاهیم کلیدی در فلسفه شرقی* به روشی که در نوشتن دایرةالمعارف‌ها مرسوم است، مهم‌ترین اصطلاحات فلسفه‌های شرقی را به اختصار توضیح داده است. البته محقق می‌تواند چنین پژوهشی را به انجام برساند که اولاً از دانش و آگاهی کافی از مباحث و موضوعات کلیدی در فلسفه‌های شرقی برخوردار باشد و ثانیاً مهارت خوبی در توضیح مفاهیم کلیدی داشته باشد، به گونه‌ای که خواننده با مطالعه مفهوم یا اصطلاح مدنظرش تصویری روشن از آن به دست آورد (Ni 2006: 21). علاوه بر این، لازم است پژوهش‌گر به درستی تشخیص دهد که کدام اصطلاحات و مفاهیم کلیدی‌اند و در نتیجه بتواند دایرة شمول این مفاهیم و اصطلاحات را به خوبی ترسیم کند (Ayatollahi 2008: 92). اهمیت این امر برای کتاب الیور لیمن از این جهت است که وی در این اثر مفاهیم کلیدی فلسفه‌های گوناگون شرقی را توضیح می‌دهد و از این رو باید مهارت خوبی در برقراری تعادل میان اصطلاحات کلیدی در فلسفه‌های شرقی داشته باشد، بدین معنا که ساختاری را برای اثرش برگزیند که در آن مفاهیم کلیدی فلسفه‌های گوناگون، بدون جانب‌داری از فلسفه یا اندیشمند خاصی، به وضوح تبیین شوند.

الیور لیمن در نوشتن مفاهیم کلیدی در فلسفه شرقی از این سه ویژگی برخوردار بوده و از این رو توانسته است اثری ارزشمند در ارتباط با فلسفه‌های شرقی را بنگارد. به‌طور کلی، در متون دایرةالمعارف‌گونه گذشته از داشتن مؤلف یا مؤلفانی خبره باید به چهار مؤلفه توجه کرد: موضوع، گستره موضوع، روش سازمان‌دهی مدخل‌ها، هدف از انتشار (Langer 1968: 36). در کتاب الیور لیمن هریک از این چهار مؤلفه به‌خوبی ملاحظه می‌شود: موضوع و گستره آن مشخص است، هرچند چنان‌که در ادامه اشاره خواهم کرد از بیان برخی مدخل‌ها و اصطلاحات کلیدی در فلسفه‌های شرقی غفلت شده است؛ روش سازمان‌دهی مدخل‌ها ترکیبی از هر دو روش مذکور است، چراکه هم با توجه به ترتیب الفبایی بیان شده‌اند و هم تلاش شده است تا مهم‌ترین اصطلاحات توضیح داده شوند. هم‌چنین هدف از انتشار این اثر بیش‌تر اطلاع‌رسانی علمی برای خوانندگان انگلیسی‌زبان است تا منافع تجاری و منفعت طلبانه. از این رو می‌توان این اثر را دایرةالمعارفی دانست که نسبت به سایر آثار مشابه ارزش ارجاعی بیش‌تری دارد.

۲.۴ ارزیابی محتوایی مقدمه اثر

این اثر با مقدمه‌ای از لیمن آغاز می‌شود که وی در آن دلیل مطرح کردن برخی مفاهیم و نیز مطرح نکردن مفاهیم دیگر را بیان می‌کند. برای نمونه، هرچند فلسفه اسلامی را تحت عنوان کلی فلسفه شرقی مطرح می‌کند، اما بر این باور است که تفکر فلسفی اسلام ارتباط زیادی با تفکر فلسفی در غرب دارد و از این رو برخی مفاهیمی که میان فلسفه اسلامی و فلسفه غرب مشترک است در این اثر مطرح نمی‌شوند. به‌زعم لیمن، فلسفه اسلامی از یک‌سو ریشه در آرای ارسطو و دیگر متفکران یونان باستان دارد و از سوی دیگر متأثر از برخی فیلسوفان قرون وسطی در اروپاست؛ بدین دلیل، به‌نظر می‌رسد اصالت فلسفی چندانی نداشته باشد (Leaman 1999: X). در ضمن لیمن باور دارد که فلسفه اسلامی در طول تاریخ نضج و گسترش خود متأثر از فلسفه‌ها و اندیشه‌های شرقی به‌ویژه فلسفه‌های هندی نیز بوده است و از این جهت به‌درستی می‌توان آن را تحت عنوان کلی فلسفه‌های شرقی قلمداد کرد (ibid.). اما او در مقدمه اثرش به ارتباط میان فلسفه و دین در سنت اسلامی و تأثیر این ارتباط در شکل‌گیری و رشد فلسفه اسلامی توجه چندانی نمی‌کند، درحالی‌که تأکید بر وجود چنین ارتباطی می‌تواند مفاهیم و اصطلاحات دیگری را نیز به‌عنوان مفاهیم کلیدی در فلسفه اسلامی در اثری که لیمن نگاشته است مطرح کند.

مستشرقانی که به پژوهش در مورد فلسفه‌های شرقی روی می‌آورند، بدون تردید، به تفاوت‌ها و شباهت‌های میان مباحث این فلسفه‌ها با فلسفه‌های غربی نیز توجه دارند و این امر در نوع ساختار و روشی که آن‌ها در پژوهش‌هایی از این دست اتخاذ می‌کنند تأثیرگذار می‌شود (Quain 1960: 32). الیور لیمن با تأکید بر این امر باور دارد که در بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌ها لازم است به منطقی و زبان نهفته در پس مباحث مطرح در فلسفه‌های شرقی توجه شود. در این صورت خواهیم توانست مفاهیم کلیدی در فلسفه‌های شرقی را با زبان خود فلسفه‌های شرقی و نه با اصطلاحات و زبان فلسفی فلسفه‌های غربی توضیح دهیم (Leaman 1999: ix). او برگرفتن چنین روش و ساختاری را برای پژوهش‌های تطبیقی در فلسفه ضروری می‌داند.

لیمن تأکید می‌کند که پیش‌فرض وی در نوشتن مفاهیم کلیدی در فلسفه شرقی این نیست که فلسفه شرق و فلسفه غرب رویکرد و مبانی یکسانی در مباحث فلسفی دارند، چراکه این دو به لحاظ فرهنگی، تاریخی، زبانی، و دینی تفاوت‌های بنیادی جدی دارند. اگرچه وی در تبیین مختصری که از مفاهیم کلیدی در فلسفه‌های شرقی غیر اسلامی ارائه می‌کند سعی کرده این مفاهیم را در بستر فرهنگی و دینی خاص خود توضیح دهد، اما به نظر می‌رسد در توضیح مفاهیم کلیدی در فلسفه اسلامی به این بستر به‌ویژه زمینه‌های دینی مفاهیم کلیدی در فلسفه اسلامی توجه چندانی نداشته است.

۳.۴ منابع بیش‌تر برای مطالعه مدخل‌ها

یکی از موارد روش‌شناسانه در کتاب لیمن کیفیت منابعی است که وی در انتهای توضیحات هر مدخل ذکر می‌کند. این از محاسن اثر اوست که پس از توضیح هر اصطلاح منبعی را برای مطالعه بیش‌تر معرفی می‌کند، اما بیش‌تر این منابع از پژوهش‌های قرن بیستم‌اند، و بهتر می‌بود در کنار آن‌ها منابعی دست‌اول هم برای مطالعه بیش‌تر ذکر می‌شد، یعنی آثار خود فیلسوفان و اندیشمندان شرقی که بنیان‌گذار مکتب یا نحله فلسفی خاص در تمدن‌های شرقی بوده‌اند. برای نمونه در انتهای برخی مدخل‌هایی که در آن‌ها به فلسفه اسلامی اشاره شده به آثار سیدحسین نصر اشاره شده است، اما هیچ‌ارجاعی به آثار فیلسوفان مسلمان، برای مطالعه بیش‌تر، نشده است.

الیور لیمن در مفاهیم کلیدی در فلسفه شرقی از اندیشمندان بزرگی که در فلسفه‌های شرقی صاحب مکتب فکری خاصی بوده‌اند نام می‌برد و فهرستی از ایشان را پیش از

وارد شدن به توضیح مفاهیم کلیدی ارائه می‌دهد. این امر را می‌توان از محاسن این اثر به‌شمار آورد، چراکه خواننده انگلیسی‌زبان می‌تواند با رجوع به این فهرست مطالب مربوط به متفکر مورد نظرش در این اثر را سریع‌تر بیابد.

اما بهتر بود فهرست متفکرانی که در این کتاب مطرح شده اند همراه با مکتب یا فلسفه آن‌ها ارائه می‌شد. به‌بیان‌دیگر، مؤلف می‌توانست این فهرست را به تفکیک مکاتب فلسفی شرقی بیان کند. علاوه بر این، مؤلف اشاره نمی‌کند که چرا از میان متفکران مختلف شرقی تنها نام برخی را ذکر کرده است. ممکن است حجم کتاب و مقصودی که نویسنده از نوشتن آن دنبال می‌کرده است مانع می‌شده که وی فصلی جداگانه درباره نام‌دارترین متفکران فلسفه در شرق و آثارشان ارائه کند. به‌هر روی، اثری درباره مفاهیم کلیدی در فلسفه‌های شرقی می‌تواند به مراتب گسترده‌تر و در چندین مجلد نگاشته شود و البته از صاحب‌نظران و اندیشمندان خود فلسفه‌های شرقی نیز بهره برد.

۴.۴ ارزیابی محتوایی برخی مدخل‌ها

به‌طور کلی، لیمن در بیان مفاهیم و اصطلاحاتی که در این اثر آمده است از آگاهی و مهارت کافی برخوردار بوده و توضیحاتش در بسیاری مدخل‌ها وافی به مقصود است. وی تلاش کرده است تا هر مدخل را با توجه به سنت فلسفی خاص آن به‌روشنی توضیح دهد. بیش‌تر مدخل‌ها مفاهیمی را معرفی می‌کنند که از کلی‌ترین و متداول‌ترین اصطلاحات در فلسفه‌های شرقی‌اند، مفاهیمی چون شناخت، خدا، علیت، زبان، وجود.

با وجود این، لیمن از برخی مفاهیم کلیدی در فلسفه‌های شرقی غافل بوده و نامی از آن‌ها در کتابش به‌میان نیاورده است. از میان اصطلاحات و مفاهیمی که وی در این اثر از آن‌ها سخنی نگفته است می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- اصطلاح mantras که اهمیت بسیاری در آیین‌های هندو و بودایی دارد در این اثر به‌چشم نمی‌آید، در حالی که بهتر بود مدخلی جداگانه و مستقل در خصوص این اصطلاح و اهمیت آن در مراقبه‌های هندویسم و بودایسم آورده می‌شد؛
- Soka Gakkai از اصطلاحاتی است که اهمیت فراوانی برای بودیسم نیچی‌رن (Nichiren Buddhism)، از فرقه‌های بزرگ آیین بودایی در ژاپن، دارد. هرچند لیمن در کتابش به‌روشنی از بودیسم نیچی‌رن سخن می‌گوید، اما اشاره‌ای به این اصطلاح نمی‌کند؛

- در مدخلی که لیمن به اصطلاح bardo اختصاص می دهد هیچ سخنی درباره نقش bardo در باور به تناسخ در فلسفه و فرهنگ تبتی نمی گوید؛
- در توضیح اصطلاح Hinayana لیمن می گوید: «درواقع مکتب تراوادا (Theravada) یکی از مکاتب غیر ماهایانه به شمار می رود» و بیش از این توضیحی نمی دهد. بهتر بود توضیح بیش تری درباره تراوادا و تمایزش از Hinayana ارائه می داد، چراکه بسیاری این دو اصطلاح را به جای یکدیگر به کار می برند و گاهی معنا و مفهوم آن دو را با یکدیگر خلط می کنند؛
- در مدخلی که الیور لیمن به کیهان شناسی (cosmology) اختصاص داده است هیچ سخنی درباره کیهان شناسی اسلامی به چشم نمی آید، هر چند در مدخل های دیگر درباره فلسفه های اسلامی توضیحات مختصری داده شده است؛
- در مدخل منطق (logic) هیچ مطلبی درباره منطق جین (Jain logic) بیان نشده است، هر چند این مکتب از نظام منطقی متمایز و توسعه یافته ای برخوردار است؛
- در مدخلی که درباره tian ارائه شده به بیان کاربرد این اصطلاح در آیین کنفوسیوس می پردازد، اما از کاربردش در دائویسم سخن نمی گوید؛
- در توضیح اصطلاح بنیادگرایی (fundamentalism)، غزالی را در زمره کسانی می داند که بنیادگرایی اسلامی را ترویج (Leaman 1999: 126) و تلاش کرده اند تا قدرت اسلام را در جهان مدرن بار دیگر عرضه کنند. هر چند غزالی بر دین داری به عنوان مؤلفه ای اساسی برای رشد فضیلت در جامعه تأکید می کند، اما نمی توان او را با بنیادگرای عصر حاضر در کشورهای اسلامی مقایسه کرد؛
- در مدخل زبان (language) توضیحات مختصری درباره آرای غزالی درباره معناداری و زبان دین بیان شده است (ibid.: 178)، اما سخنی از دیدگاه های دیگر حکمای مسلمان به ویژه فارابی و ابن سینا به میان نیامده است؛
- مدخل ایمان (faith) بیش تر به جایگاه این اصطلاح در بودیسم و اسلام اختصاص دارد و نیز به نزاع میان عقل و ایمان در فلسفه اسلامی توجه می کند. اولاً بهتر بود که به جای پرداختن به بحث عقل و ایمان، مفهوم ایمان و جایگاه آن در فلسفه اسلامی و نیز دیگر فلسفه های شرقی شفاف تر بیان می شد؛ ثانیاً در بیان ارتباط عقل و ایمان در فلسفه اسلامی تنها به دیدگاه ابن رشد توجه شده است، در حالی که

در این بحث رویکردهای مختلفی را می‌توان در تاریخ فلسفه و کلام اسلامی ملاحظه کرد؛

- الیور لیمن در توضیح برخی مفاهیم و مباحث مطرح در فلسفه اسلامی به انتقادات فلسفی و کلامی مطرح‌شده نیز توجه می‌کند، اما در برخی دیگر نه. برای نمونه در توضیح اصطلاح عقل فعال (active intellect) به انتقادات هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه‌ای که به این عقل وارد شده اشاره نمی‌کند. هم‌چنین توضیح نمی‌دهد که این فیلسوفان مسلمان به درونی‌بودن عقل فعال باور دارند یا به بیرونی‌بودن آن. بیان این توضیحات به دلیل اهمیت هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه این اصطلاح در فلسفه اسلامی است؛

- در انتهای مدخل وجود/ هستی (being)، به اختصار، دیدگاه فلسفه اسلامی درباره وجود بیان شده است (ibid.: 38)؛ اما اولاً در این بخش از تفاوت میان being و existence در فلسفه اسلامی سخن به میان آمده که به نظر می‌رسد تفاوت میان این دو را باید در فلسفه غرب به‌ویژه در متافیزیک تحلیلی قرن بیستم دنبال کرد، نه در فلسفه اسلامی؛ ثانیاً به دیدگاه ملاصدرا در خصوص اتحاد وجود و ماهیت در خارج و تمایز ذهنی آن اشاره شده و البته برای ماهیت، هم از اصطلاح meaning استفاده شده است و هم از اصطلاح essence؛

- علاوه بر آنچه درباره وجود گفته شد، اساساً بهتر بود مدخلی جداگانه به توضیح مفهوم ماهیت اختصاص داده می‌شد که از کلیدی‌ترین مفاهیم فلسفه اسلامی است؛

- در مدخل اخلاق (ethics) به تفصیل درباره این مفهوم در برخی آیین‌های شرقی سخن به میان آمده، اما درباره جایگاه اخلاق در فلسفه اسلامی تنها در انتهای این مدخل اندکی توضیح داده شده است. اولاً مباحث فلسفه اخلاق، به‌ویژه اخلاق فضیلت، جایگاه خاصی در اخلاق اسلامی دارد و از این رو بهتر بود نوآوری‌های فیلسوفان مسلمان در فلسفه اخلاق با توضیحات بیشتری بیان می‌شد؛ ثانیاً در این بخش فقط به بحث عینی‌بودن یا ذهنی‌بودن اخلاق در فلسفه اسلامی اشاره شده است که ناظر به همان نزاع دیرین حسن و قبح شرعی و عقلی است؛

- از سهروردی فقط در بحث وجود سخن گفته شده است، اما در دیگر مدخل‌هایی که در آن‌ها به آرای فیلسوفان مسلمان نیز توجه شده است هیچ اشاره‌ای به او و دیدگاه‌هایش نشده است؛

- در توضیح مفهوم زمان (time) در فلسفه اسلامی به دیدگاه ملاصدرا درخصوص زمان و جایگاه کلیدی آن در هستی‌شناسی هیچ اشاره‌ای نشده، بلکه صرفاً به نقش آن در مباحث مربوط به خلقت اشاره شده است، درحالی‌که تبیین ملاصدرا از زمان را می‌توان یکی از نوآوری‌های مهم در تاریخ فلسفه اسلامی قلمداد کرد؛
- جایگاه بحث کلیات (universals) در معرفت‌شناسی فیلسوفان مسلمان نیز از مواردی است که لیمن در کتابش توجهی بدان نداشته است. در مدخل مربوط به کلیات درباره این مفهوم در فلسفه‌های هندو و بودا گفته شده، اما اشاره‌ای به این مفهوم در هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی اسلامی نشده است. هم‌چنین ارتباط بحث کلیات با وجود ذهنی نیز، که از اهمیت بسیاری در فلسفه اسلامی برخوردار است، در این کتاب مورد توجه قرار نگرفته است؛
- اساساً «وجود ذهنی» از مفاهیم مهم و کلیدی در فلسفه اسلامی است، اما لیمن در این کتاب اشاره‌ای بدان نکرده است، هرچند درباره ذهن و ارتباط آن با نفس (soul) در فلسفه اسلامی توضیحاتی ارائه داده است (ibid.: 207). بهتر بود مدخل جداگانه‌ای درباره وجود ذهنی و نحوه واقعیت آن در نظر گرفته می‌شد و در آن‌جا با تفصیل بیش‌تری تفاوت میان ذهن و نفس و روح در فلسفه‌های شرقی توضیح داده می‌شد؛
- در مدخل شناخت / معرفت / علم (knowledge) انواع شناخت در فلسفه اسلامی به دو صورت شناخت یا علم فلسفی و شناخت یا علم نبوی معرفی شده است. هرچند این تقسیم‌بندی در آثار فیلسوفان مسلمان به چشم می‌آید، اما تقسیم‌بندی مهم‌تری که در بحث علم و شناخت مطرح است تقسیم علم به حضوری و حصولی است که از مفاهیم معرفت‌شناختی کلیدی در فلسفه اسلامی است. لیمن در کتاب خود فقط به علم حصولی اشاره می‌کند و از آن با عنوان معرفت یا علم فلسفی نام می‌برد، اما هیچ اشاره‌ای به علم یا معرفت حضوری و اهمیت آن در فلسفه اسلامی نمی‌کند.

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش‌ها و آثار الیور لیمن، استاد برجسته دانشگاه کنتاکی، در حوزه فلسفه‌های شرقی در زمره آثار ارزش‌مندی است که از مستشرقان به‌چاپ رسیده است. در این جستار به یکی از

مهم‌ترین آثار وی در حوزه شرق‌شناسی توجه کردیم، اثری که با عنوان *مفاهیم کلیدی در فلسفه‌های شرقی* توسط انتشارات راتلج منتشر شده است. لیمن در این اثر تلاش کرده است تا مهم‌ترین اصطلاحات و مفاهیمی را که در فلسفه‌های شرقی، از فلسفه‌های هند و چین و ژاپن گرفته تا فلسفه اسلامی، رواج داشته و دارد، با توضیحی اجمالی، در قالبی دایرةالمعارف‌گونه جمع‌آوری کند. با وجود دقت نظر وی در گردآوری این مفاهیم، این اثر کاستی‌های روشی و محتوایی چندی نیز دارد که در جستار حاضر به آن‌ها اشاره شد. از مهم‌ترین کاستی‌های محتوایی کتاب لیمن عدم توجه به برخی اصطلاحات کلیدی و جایگاه آن‌ها در فلسفه اسلامی است، اصطلاحاتی چون ماهیت، وجود ذهنی، و اقسام علیت. لیمن در حوزه فلسفه‌های شرقی غیراسلامی نیز از بیان برخی اصطلاحات کلیدی یا غفلت کرده یا مفهوم و جایگاهشان را در این فلسفه‌ها به‌خوبی روشن نکرده است. با وجود این، تردیدی نیست که کتاب *مفاهیم کلیدی در فلسفه‌های شرقی* می‌تواند منبعی قابل‌ارجاع برای پژوهش‌هایی باشد که در حوزه فلسفه‌های شرقی و نیز فلسفه تطبیقی صورت می‌گیرند. البته خود این اثر را نمی‌توان به‌آسانی پژوهشی تطبیقی در فلسفه دانست، بلکه بیش‌تر می‌تواند دایرةالمعارفی باشد که اطلاعاتی مختصر و البته ضروری را درمورد مفاهیم کلیدی فلسفه‌های شرقی ارائه می‌کند. در پایان، به‌نظر نگارنده، توجه به اندک نکات زیر دقت، جامعیت، و جذابیت این اثر را بیش‌تر می‌کند:

- استفاده از طرح جلدی مناسب برای مفهوم فلسفه شرقی، به‌گونه‌ای که مخاطب انگلیسی‌زبان را هم به خواندن آن جذب کند و هم به تأمل درباره فلسفه شرقی سوق دهد؛
- انتشار چنین اثری در چند جلد، به‌گونه‌ای که هر جلد به فلسفه خاصی از فلسفه‌های شرقی اختصاص یابد؛
- برای نوشتن مفاهیم خاص هر یک از فلسفه‌های شرقی از صاحب‌نظرانی استفاده شود که سال‌ها در متن فرهنگی و جغرافیایی آن فلسفه زیسته‌اند؛
- توجه بیش‌تر به روش‌شناسی فلسفه‌های شرقی، به‌گونه‌ای که خواننده انگلیسی‌زبان به فهم دقیق‌تری از اصطلاحات فلسفه‌های شرقی دست پیدا کند؛
- بیان جایگاه مفاهیم و اصطلاحات فلسفه‌های شرقی هم در دوران شکل‌گیری آن‌ها و هم در عصر حاضر.

نقد و بررسی کتاب *Key Concepts in Eastern* ... (حسن احمدی زاده) ۱۷

در پایان، شایان ذکر است که این جستار شامل ارزیابی محتوایی تمام مدخل‌های کتاب لیمن نبود، چراکه چنین کاری در این مجال ممکن نبود و مقالات نقادانه متعددی می‌طلبند.

پی‌نوشت‌ها

1. Leaman, Oliver (1999), *Key Concepts in Eastern Philosophy*, Routledge.

ترجمه این اثر به زبان فارسی توسط شیرین سادات بطحایی در سال ۱۳۹۹ از سوی انتشارات علم منتشر شده است.

۲. از دیگر مجموعه‌هایی که انتشارات راتلج با عنوان *Key Concepts* منتشر کرده است می‌توان به این آثار اشاره کرد:

Key Concepts in Cinema Studies; Key Concepts in Popular Music; Key Concepts in Cultural Theory; Key Concepts in Language and Linguistics, Key Concepts in the Philosophy of Education.

۳. این اثر به فارسی ترجمه شده است؛ بنگرید به نصر و لیمن ۱۳۸۳، ۱۳۸۶، ۱۳۸۸.

کتاب‌نامه

نصر، سیدحسین و الیور لیمن (۱۳۸۳)، *تاریخ فلسفه اسلامی*، ترجمه جمعی از استادان فلسفه، ج ۱، تهران: حکمت.

نصر، سیدحسین و الیور لیمن (۱۳۸۶)، *تاریخ فلسفه اسلامی*، ترجمه جمعی از استادان فلسفه، ج ۲ و ۳، تهران: حکمت.

نصر، سیدحسین و الیور لیمن (۱۳۸۸)، *تاریخ فلسفه اسلامی*، ترجمه جمعی از استادان فلسفه، ج ۴ و ۵، تهران: حکمت.

Ayatollahy, Hamidreza (2008), "Remarks on Comparative Philosophy: Islamic and Western Philosophies", *The Iranian Journal of Philosophy*, vol. 36, no. 3.

Burik, Steven (2009), *The End of Comparative Philosophy and The Task of Comparative Thinking: Heidegger, Derrida, and Daoism*, State University of New York.

Holder, J. John (2006), *The Purpose and Perils of Comparative Philosophy, The SACP Forum for Asian and Comparative Philosophy*, vol. 23, no. 46.

Kurtz, Joachim (2011), *The Discovery of Chinese Logic*, Leiden, Boston: Brill.

- Langer, William Leonard (1968), *An Encyclopedia of World History: Ancient, Medieval and Modern, Chronologically Arranged*, London: Harrap.
- Leaman, Oliver (1999). *Key Concepts in Eastern Philosophy*, Routledge.
- Leaman, Oliver and Seyyed Hosein Nasr (1996), *History of Islamic Philosophy*, Routledge.
- Ni, Peimin (2006), *Traversing the Territory of Comparative Philosophy, The SACP Forum for Asian and Comparative Philosophy*, vol. 23, no. 46.
- Quain, Willard Van Orman (1960), *Word and Object*, The Massachusetts Institute of Technology.
- Raud, Rein (2006), "Philosophies versus Philosophy: in Defense of a Flexible Definition", *Philosophy East & West*, vol. 56, no. 4.
- Sheeton, Thomas (2010), *Heidegger: The Man and the Thinker*, New Jersey, Piscataway.